

به نام پروردگار مهربان

جمع‌بندی

دهم • یازدهم • دوازدهم

# عربی

مرور و جمع‌بندی کنکور در (۲۴) ساعت

• مهران ترکمان

• همکار تألیف: عباس حیدری



مهروماه

# فهرست



۵	<b>ترجمه، مفهوم و درک مطلب + تعریب</b>	
۶	تیپ‌شناسی سؤالات ترجمه	
۴۵	سؤالات تعریب	
۵۰	مفهوم	
۶۷	درک مطلب	
۸۱	<b>قواعد</b>	
۸۲	مروری بر قواعد هفتم، هشتم و نهم	
۹۵	عدد	
۱۰۲	ثلاثی مجرّد و ثلاثی مزید	
۱۰۹	جمله فعلیه و اسمیه	
۱۲۳	معلوم و مجهول	
۱۲۹	جارو مجرور و معانی حروف جرّ	
۱۳۵	جامد و مشتق	
۱۴۲	معرفه و نکره	
۱۴۷	جمله وصفیه	
۱۵۳	جمله شرطی	
۱۵۹	ترجمه فعل مضارع	
۱۶۶	معانی افعال ناقصه	
۱۷۱	حروف مشبّهة بالفعل و لای نفی جنس	
۱۷۸	حال	
۱۸۵	استثناء	
۱۹۲	مفعول مطلق	
۱۹۷	<b>قراءة الكلمات</b>	
۲۰۳	<b>تجزیه و ترکیب</b>	
۲۱۵	<b>پاسخ‌نامه</b>	



## تپ‌شناسی سؤالات ترجمه

الف. سؤالات تک‌عبارتی:

یک عبارت می‌دهند و چهار گزینه زیر آن، مانند این تست:

### تست

«الكتاب هو الذي يقدر أن يكون صديقك المخلص و ينجيك من الضلال و يرشدك إلى

سبيل الرشاد!»:

(زبان ۹۲)

- (۱) کتاب است که می‌تواند دوست مخلص تو باشد و تو را از گمراهی نجات دهد و به راه هدایت ارشاد کند!
- (۲) این کتاب است که می‌تواند همان دوست خوب تو باشد که از گمراهی رهایی‌ات بخشد و به هدایت کشاند!
- (۳) کتاب همان کسی است که برای تو دوستی خوب و نجات‌بخش است و تو را به راه درست هدایت می‌کند!
- (۴) این کتاب است که می‌تواند دوستی خالص برایت باشد و تو را از گمراهی نجات بخشد و به راه هدایت افکند!

ب. سؤالات چهارعبارتی:

هر گزینه یک عبارت فارسی یا عربی دارد که ترجمه یا تعریف هریک مقابل آن‌ها آمده است. دقت کنید که اگر در پایان سه گزینه اول نقطه (.) یا علامت تعجب (!) باشد، هر گزینه مستقل از گزینه دیگر است و ربطی به هم ندارند اما اگر پایان سه گزینه اول ویرگول (،) یا نقطه ویرگول (;) بیاید یعنی گزینه‌ها به هم مرتبط هستند و باید با توجه به گزینه‌های قبلی ترجمه یا تعریف شوند. (یعنی ممکن است یک فعل مضارع در گزینه (۴) با توجه به «کان» در گزینه (۱) ترجمه شود. ماضی استمراری)

### تست

عین الصحيح:

(ریاضی ۹۴)

- (۱) لا تتكاسل، فإنَّ التَّجَاحَ لا يُنَاسِبُ الكَسَلَ! تنبلی مکن که موفقیت با تنبلی تناسب ندارد!
- (۲) لا تتكاسل الممرضة الحاذقة عن أعمالها! ای پرستار ماهر، در انجام کارهایت تنبلی مکن!
- (۳) شاهد الطلاب درجاتهم في الصفِّ فائزين! نمره دانش‌آموزان کلاس را نگاه کن که چگونه موفق هستند!
- (۴) صادق الذي يُشفق عليك و أنت في غفلة! آن که دلسوز تو است، با تو دوستی کرد در حالی که غافل بودی!

### عین الخطأ:

(ریاضی ۹۲)

- (۱) كان أبي لا يترك صلاة أول الوقت أبداً: پدرم هرگز نماز اول وقت را ترک نمی‌کرد،
- (۲) و يقول لنا دائماً أنها من وصايا النبي (ص): و همواره به ما می‌گفت که آن از توصیه‌های پیامبر (ص) است،
- (۳) وقد قيل عن الصلاة: حافظوا على الصلاة و تقرّبوا بها: و در مورد نماز گفته شده: نماز را نگاه دارید و به وسیله آن تقرب بجوئید،
- (۴) فأعلم أنّ كل شيء من عملك تبع لصلاتك! پس می‌دانی که هر چیزی از اعمال تو در گرو نماز است!



## مضارع التزامی

۱ ادات شرط + مضارع + مضارع  
(إن، من، إذا) التزامی اخباری

مثال من يذهبُ ينجحُ ← هر کس برود موفق می‌شود.

## تست

(ریاضی ۹۱)

«من عرف الدنيا معرفةً حقیقیةً، لا تخدع قلبه ظواهرها الخلابة»:

- ۱) اگر کسی واقعاً دنیا را بشناسد، ظاهر دلربایش او را فریب نمی‌دهد!
- ۲) آن که حقیقت دنیا را شناخته باشد، ظاهر فریبنده آن فریبش نمی‌دهد!
- ۳) آن کسی که دنیا را عمیقاً شناخته باشد، به ظواهر خوش آن دل خوش نمی‌کند!
- ۴) کسی که دنیا را به طور واقعی بشناسد، ظواهر دلربای آن قلبش را نمی‌فریبند!

پاسخ گزینه «۴» «عرف» (فعل شرط) در گزینه‌های «۲» و «۳» به صورت ماضی التزامی ترجمه شده که غلط است. در گزینه‌های «۱» و «۲» «ظواهر» به صورت مفرد ترجمه شده و در گزینه «۳» ضمیر در «قلبه» ترجمه نشده است.

۲ لیت، لعل + مضارع مثال لیت الرجل يسافر ← ای کاش مرد سفر کند.

۳ ادات ناصبه (أن - کی - حتی - لـ - لکی) + مضارع مثال حتی يذهب ← تا برود

۴ فعل بعد از من و مای موصول را می‌توان به صورت مضارع التزامی ترجمه کرد:

مثال أساعد من يحب العلم ← به کسی که علم را دوست بدارد، کمک می‌کنم!

مثال العاقل من وعظته التجارب ← عاقل کسی است که تجربه‌ها به او پند دهد.

۵ «لای نهی»، «لـ امر» + صیغه‌های غیر مخاطب

مثال لنذهب ← باید برویم لانذهب ← نباید برویم

تذکر فعل شرط به صورت مضارع التزامی و جواب شرط به صورت مضارع اخباری ترجمه می‌شود. البته اگر

فعل شرط و جواب شرط ماضی باشد، می‌توانیم آن را به صورت ماضی ساده نیز ترجمه کنیم. پس هرگاه ادات شرط و جواب آن ماضی باشد، هم می‌توانیم فعل شرط را به صورت مضارع التزامی و جواب آن را به صورت مضارع اخباری ترجمه کنیم و هم می‌توانیم هر دو را به صورت ماضی ساده ترجمه کنیم:

مثال من صَبَرَ، ظَفَرَ ← هر کس صبر کند، پیروز می‌شود

صبر کرد پیروز شد

• شش مورد زیر در ترجمه اختیاری هستند، یعنی می‌توانند بیایند یا نیایند و جزو حذف و اضافه نیستند!

۱ می‌توان ماضی ساده را به صورت ماضی نقلی یا ماضی نقلی را به صورت ماضی ساده ترجمه کرد.

مثال ذهب ← رفته است، قد ذهب ← رفت

۲ آوردن «هنوز» در «لَمَّا» + مضارع مثال لَمَّا يذهب ← هنوز نرفته است، نرفته است

۳ آوردن لفظ «هرگز» در «لن» + مضارع مثال لن يذهب ← هرگز نخواهد رفت، نخواهد رفت

۴ آوردن «قد» بین «کان» و فعل ماضی در ساختار ماضی بعید. مثال کان قد ذهب، کان ذهب

۵ آوردن لفظ «به‌زودی» در «س» + مضارع مثال سيذهب ← به‌زودی خواهد رفت، خواهد رفت



۶ ترجمه کردن «إِنْ»: مثال: **إِنَّهُ ذَهَبَ** ← قطعاً او رفت، او رفت

## کلمات کلیدی و ساختارها

• «إِنْ» شرط به معنای، «اگر - چنانچه» است؛ آن را به صورت قیده‌های زمان ترجمه نکنید (وقتی که، هنگامی که، زمانی)

### تست

«إِنْ كَسْرَتَ مَنْ هُوَ أَسْفَلُ مَنْكَ بَدْرَجَاتٍ وَحَمَلَتْ عَلَيْهِ مَا لَا يُطِيقُ، فَقَدْ كَسْرَتْ نَفْسَكَ حَقًّا»: (هنر ۹۲)

(۱) هر زمان شخصی را که از تو مراتبی پایین‌تر است بخواهی بشکنی و چیزی را که توانایی آن را ندارد بر او تحمیل کنی، حقیقتاً خود را می‌شکنی!

(۲) وقتی فردی از تو چند درجه‌ای پایین‌تر باشد و تو او را شکستی و آنچه را تحمل آن را ندارد بر او بار کنی، به حق که فقط خود را می‌شکنی!

(۳) زمانی که کسی از تو مراتبی پایین‌تر بوده و او را شکستی و بر او چیزهایی بار کردی که تحمل ندارد، در واقع خودت را شکسته‌ای!

(۴) اگر کسی را که در جاتی از تو پایین‌تر است بشکنی و آنچه را که توانایی آن را ندارد بر او تحمیل کنی، حقیقتاً خود را شکسته‌ای!

پاسخ: گزینه «۴» «إِنْ» معنای قیده‌های زمان ندارد (رد سایر گزینه‌ها).

«رَبَّنَا؛ إِنْ تَذَهَبْ عَنَّا شَرًّا مَا قَدَّمْنَا، فَسَنَذُوقُ الْحَلَاوَةَ فِي الْعَاقِبَةِ»: (هنر ۹۵)

(۱) خدایا؛ این که شر آنچه را از پیش فرستاده‌ایم از ما برطرف می‌کنی، شیرینی عاقبت را به ما می‌چشانی!

(۲) پروردگارا؛ اگر شر آنچه را که پیش فرستاده‌ایم از ما برطرف کنی، در پایان، شیرینی را خواهیم چشید!

(۳) پروردگارا؛ اگر بدی‌هایی را که از قبل انجام داده‌ایم از ما برداری، ذائقه حلاوت را در عاقبت خواهیم یافت!

(۴) خدایا؛ این که بدی را از آنچه از قبل انجام داده‌ایم برمی‌داری، ذائقه شیرینی را در عاقبت به ما می‌چشانی!

پاسخ: گزینه «۲»

«إِنْ» (اگر) در گزینه‌های «۱» و «۴» «این که» ترجمه شده، «شر» مفرد است ولی در گزینه «۳» جمع آمده.

• «إِذَا» معانی مختلفی دارد (اگر، چنانچه، قیود زمانی) در ترجمه آن سخت نگیرید! ولی فعل بعدش را مضارع التزامی ترجمه کنید.

• «مَنْ» شرط به معنای «هر کس - هر که» است، آن را به صورت جمع (کسانی که) و «اگر» ترجمه نکنید.

### تست

«مَنْ يَعْمَلْ لغيرِ اللَّهِ، يردِ اللَّهُ أُمُورَهُ إِلَى مَنْ عَمِلَ لَهُ»: (ریاضی ۹۰)

(۱) آن کس که برای غیر خدا کار کند، نتیجه کارش را نیز به او واگذار می‌کند!

(۲) کسانی که برای غیر خدا کاری انجام دهند، خداوند امورشان را به همان‌ها واگذار می‌کند!

(۳) اگر کسی کاری برای غیر خدا انجام دهد، خداوند هم کار وی را به عهده او می‌گذارد!

(۴) هر کس برای غیر خدا کار کند، خداوند امور او را به همان کسی که برای او کار کرده بر می‌گرداند!

پاسخ: گزینه «۴» «مَنْ» شرط (هر کس) فقط در گزینه (۴) صحیح ترجمه شده است.

۱. البته این نکته در کتاب‌های قبلی و کنکورهای گذشته بارها مطرح شده بود ولی در کتاب‌های نظام جدید به آن اشاره نشده است.  
۲. «لو» هم معنای «اگر - چنانچه» دارد و به صورت قید زمان ترجمه نمی‌شود.



## پرسش‌های چهارگزینه‌ای

تعریب<sup>۱</sup>

۱۰۳. «وقتی فقط بر دیگری اعتماد کنی هیچ‌گاه کار مهمی برای زندگی خود نخواهی کرد!» عین‌الصحيح: (ریاض ۹۷)

- ۱) لَمَا تَعْتَمِدْ عَلَىٰ غَيْرِكَ فَقَطْ لَنْ تَعْمَلَ شَيْئًا مَهْمًا لِلْحَيَاةِ بِنَفْسِكَ!
- ۲) حِينَمَا لَا تَعْتَمِدُ إِلَّا عَلَىٰ غَيْرِ نَفْسِكَ فَلَا تَعْمَلُ عَمَلًا هَامًا لِحَيَاتِكَ أَبَدًا!
- ۳) عِنْدَمَا لَا تَعْتَمِدُ إِلَّا عَلَىٰ غَيْرِكَ لَنْ تَعْمَلَ عَمَلًا مَهْمًا لِحَيَاتِكَ أَبَدًا!
- ۴) حِينَ اعْتِمَادِكَ عَلَىٰ غَيْرِ نَفْسِكَ فَقَطْ فَلَا تَعْمَلُ شَيْئًا هَامًا لِحَيَاةِ نَفْسِكَ!

۱۰۴. «هر کس در نیکی کردن به دیگران بخل بـورزد و آن را بر خود حرام کند، او محروم حقیقی است!» عین‌الصحيح: (تجربین ۹۷)

- ۱) إِنَّ الَّذِي يَبْخُلُ أَنْ يُحْسِنَ إِلَى الْآخِرِينَ وَيَحْرَمَ عَلَىٰ نَفْسِهِ، فَهُوَ الْمَحْرُومُ حَقًّا!
- ۲) مَنْ بَخِلَ فِي الْإِحْسَانِ إِلَى الْآخِرِينَ وَحَرَمَهُ عَلَىٰ نَفْسِهِ، فَهُوَ الْمَحْرُومُ الْحَقِيقِيُّ!
- ۳) إِنَّ الْمَحْرُومَ الْحَقِيقِيَّ مَنْ بَخِلَ وَحَرَمَ عَلَىٰ نَفْسِهِ الْإِحْسَانَ إِلَى الْآخِرِينَ!
- ۴) الَّذِي يَبْخُلُ الْإِحْسَانَ إِلَى الْآخِرِينَ وَيَحْرَمُ ذَلِكَ عَلَيْهِ، فَهُوَ الْمَحْرُومُ حَقًّا!

۱۰۵. «از خطاهای دیگران درس بگیر، زیرا عمر برای تو کافی نیست تا همه چیزها را آزمایش کنی!» (تجربین ۹۷)

- ۱) اِعْتَبِرْ مِنْ أخطاءِ الْآخِرِينَ لِأَنَّ الْعُمُرَ لَا يَكْفِيكَ لِتَجْتَبِرَ كُلَّ الْأَشْيَاءِ!
- ۲) اِعْلَمْ خَطَأَ الْآخِرِينَ لِأَنَّ الْعُمُرَ لَيْسَ كَافِيًا لَكَ حَتَّى تُجَرِّبَ الْأخطاءَ كُلَّهَا!
- ۳) عِظْ خَطَأَ السَّائِرِينَ لِأَنَّهُ مَا يَكْفِي لَكَ عُمُرَكَ لِاجْتِبَارِ نَفْسِكَ الْأخطاءَ كُلَّهَا!
- ۴) تَعْلَمْ مِنْ أخطاءِ غَيْرِكَ لِأَنَّكَ مَا كَفَى بِكَ عُمُرًا حَتَّى تَمْتَحِنَ كُلَّ شَيْءٍ بِنَفْسِكَ!

۱۰۶. «گمان نمی‌کردم که تو با وجود مشکلات بسیار، در کسب علم کوشا باشی!» عین‌الصحيح: (انسانی ۹۷)

- ۱) لَا أَظَنَّ أَنَّكَ تَكُونُ مُجْتَهِدًا فِي الْاِكْتِسَابِ الْعِلْمِ رَغْمَ الْمَشْكِالِ الْكَثِيرِ!
- ۲) مَا كُنَّا نَظَنَّ أَنَّكَ تَكُونُ سَاعِيًا رَغْمَ الْمَشْكِالِ الْكَثِيرِ فِي اِكْتِسَابِ الْعِلْمِ!
- ۳) مَا كُنْتُ أَظَنَّ أَنَّكَ رَغْمَ الْمَشْاكَالِ الْكَثِيرَةِ، تَكُونُ سَاعِيًا فِي اِكْتِسَابِ الْعِلْمِ!
- ۴) لَا أَظَنَّ أَنَّكَ رَغْمَ الْمَشْاكَالِ الْعَدِيدَةِ أَنْ تَكُونَ نَشِيطًا فِي اِكْتِسَابِ الْعِلْمِ الْكَثِيرِ!

۱۰۷. «بزرگان اگر تلاش نداشتند هرگز به اهداف خود نمی‌رسیدند و از رسیدن به آنها لذت نمی‌بردند!» (انسانی ۹۷)

- ۱) إِنْ مَا كَانَ الْجَدَّ عِنْدَ الْعِظَامِ فَلَنْ يَبْلُغُوا أَهْدَافَهُمْ وَلَنْ تُعْطَى لَهُمْ لَذَّةٌ مِنْ وَصُولِهَا!
- ۲) إِنْ لَمْ يَكُنْ لِلْعِظْمَاءِ سَعْيٌ لَمْ يَصِلُوا إِلَى أَهْدَافِهِمْ أَبَدًا وَلَمْ يَتَلَذَّذُوا بِالْوَصُولِ إِلَيْهَا!
- ۳) إِنْ لَمْ يَكُنْ عِنْدَ الْكِبَارِ اجْتِهَادٌ لَمْ يَنْلِ أَهْدَافَهُمْ أَبَدًا وَلَمْ تُعْطِ اللَّذَّةَ لَهُمْ مِنْ إِدْرَاكِهَا!
- ۴) إِنْ مَا كَانَ الْجُهْدُ لِلْعِظْمَاءِ لَا يَصِلُوا إِلَى أَهْدَافِهِمْ حَتَّى الْأَبَدِ وَلَا يَتَلَذَّذُونَ مِنْ بَلُوغِهَا!

۱. برای حل تست‌های تعریب از همان نکته‌های ترجمه استفاده می‌کنیم، البته می‌دانید که معلوم نیست در کنکور از این بخش سؤال بیاید یا خیر. اما در آزمون‌های بخش اول همواره از تعریب سؤال طرح شده است. بنابراین تست‌های اصلی و مهم را برایتان می‌آوریم.



## مفهوم

سؤالات مفهوم و قرابت معنایی کنکور به‌طور کلی در دو دسته زیر قرار می‌گیرد:

- ۱ به این صورت که یک عبارت، شعر، آیه، حدیث، ضرب‌المثل و... داده شده و از مفهوم و مضمون آن، سؤال طرح می‌گردد. برای پاسخ‌گویی به این نوع سؤالات توجه به نکات زیر ضروری است.
  - به مضمون اصلی عبارت دقت کنید نه مصداق و ظاهر جمله.
  - دقت کنید که ممکن است ظاهراً تمام گزینه‌ها درست یا غلط به نظر برسند در چنین شرایطی باید نزدیک‌ترین و کامل‌ترین پاسخ را انتخاب کنید.
  - سعی کنید از بین مضمون‌های مختلف عبارت مضمون اصلی آن را بیابید، ممکن است گزینه‌ای با مفهوم اصلی و گزینه‌ای با مفهوم فرعی در ارتباط باشد که شما باید به مفهوم اصلی توجه داشته باشید.
  - ممکن است در بین گزینه‌ها، شعرها یا ضرب‌المثل‌های فارسی هم وجود داشته باشد، نباید فکر کنید که آن‌ها پاسخ نبوده و صرفاً عبارات عربی پاسخ هستند.
- ۲ به این شکل که یک عبارت ارائه می‌شود و در آن جمله، از کاربرد برخی از نکات قواعدی (مانند کلمات پرسشی) سؤال طرح می‌گردد (البته این نوع سؤال چند سالی است که دیگر در کنکور نمی‌آید). برای تسهیل کار، عبارات مفهومی، ضرب‌المثل‌ها، اشعار و آیات کتاب‌های درس عربی دبیرستان را به همراه معنی و مفهوم گردآوری کرده‌ایم.

### عبارات مفهومی

- ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ﴾: ستایش از آن خدایی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید و تاریکی‌ها و روشنایی را بنهاد. (آفرینش نظام هستی)
- ﴿وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾: و در خلقت آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند او می‌گویند! پروردگارا! این‌را بیهوده نیافریده‌ای. (اندیشیدن در آفرینش و این که نظام هستی بیهوده خلق نشده است.)
- تَفَكَّرُ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً: ساعتی اندیشیدن بهتر از عبادت هفتاد سال است. (ارزش تفکر و اندیشیدن)
- اِذَا كَانَ اثْنَانِ يَتَنَاجِيَانِ فَلَا تَدْخُلُ بَيْنَهُمَا: هرگاه دو نفر باهم راز می‌گفتند، پس میان آن‌ها وارد نشو.
- ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ مِثَالِهَا﴾: هر کس نیکی بیاورد پس ده برابر آن مانند آن برای اوست. (تشویق به کار نیک)
- ﴿اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ...﴾: خدا همان کسی است که بادها را می‌فرستد و ابری را برمی‌انگیزد و آن‌را در آسمان می‌گستراند.
- ﴿فَاسْتَغْفِرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ﴾: پس برای گناهانشان آمرزش خواستند و کیست جز خداوند که گناهان را می‌بخشد؟ (خداوند بخشنده و مهربان است و زمینه توبه باز.)
- ﴿فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَبِهُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ﴾: پس بگو غیب فقط برای خدا است؛ پس صبر کنید. بی‌شک من همراه شما از منتظران هستم. (منظور از غیب معجزه است.)



١٦٤. «فى الجبن عارٌ و فى الإقدام مكرمة / والمرء بالجبن لا ينجو من القدر!»

(زبان ٩٠)

عين غير المناسب فى المفهوم:

- (١) با قضا كارزار نتوان كرد!
- (٢) چون قضا آيد چه سود از احتياط!
- (٣) گر نگهدار من آن است كه من مى دانم شيشه را در بغل سنگ نگه مى دارد!
- (٤) ز دشمن كى حذر جويد هنرجوى ز دريا كى بپرهيزد گهرجوى!

### حسب الواقع و تعريف كلمه

١٦٥. عين الخطأ حسب الواقع:

- (١) حيوانٌ ذكىٌ بألوانٍ مختلفة يقدر على تمييز الرائحة من المسافات البعيدة ← التمل
- (٢) طائر لونه أسود و مشهور بنقل الأخبار إلى الآخرين ← الغراب
- (٣) حيوان جميل جداً لها عينان جميلتان و سرعته كثيرة فى الجرى ← الغزالة
- (٤) لها قامة طويلة و يداها أطول من رجليها و لونها أصفر غالباً ← الزرافة

١٦٦. عين الخطأ فى تعريف المفردات:

- (١) شخصٌ مسؤولٌ لجمع معلوماتٍ سرية متعلقةً بدولة أجنبية ← عميل
- (٢) أحدث الخلاف بين الآخرين و باعد بينهم ← فرق
- (٣) خلق جو من التفاهم بين الشعوب بعيداً عن الحرب و الخشونة ← التعايش السلمى
- (٤) الشخص الأكثر مراعاةً لحدود الله عز و جل و أكثر خشية و خوفاً منه ← اتقى

١٦٧. «كائنات تعيش فى الماء و التراب و الجو بعضها مفيدة و البعض الآخر ضارة» عين المفردة المناسب حسب الإيضاح:

- (١) زَيْتُ (٢) أعشاب (٣) بكتيريا (٤) سائل

١٦٨. عين الخطأ فى الإيضاحات:

- (١) آكلة الحشرات و تغيراتها اللونية سريعة و تحتوى على مزيج من الألوان ← الفراشة
- (٢) طائرة تستعين بحاسة سمعها القوية و عينيه الكبيرتين اللتين تنام الليل ← البومة
- (٣) جميع الوسائل التى نتخذها لاتقاء الأمراض كالتطهير و التلقيح ← الوقاية
- (٤) سائل نباتى أو حيوانى أو معدنى نستعمله فى الطعام و لحركة المحركات ← زيت

١٦٩. عين الخطأ حسب الحقيقة و الواقع:

- (١) هو المكان الذى يجتمع فيه الماء و يبقى فيه طويلاً ← النهر
- (٢) جماعة من الناس فى الحروب و هم يحاربون الأعداء ← الجيوش
- (٣) إذا ندم الإنسان على ما ارتكب فى الماضى و رجوع عن المعصية ← تاب
- (٤) هو مجرى ماء ضيق بين قطعتين من الأرض أو مكان بين الجبلين ← المضيق





## درک مطلب

هر سال یک متن ۶ یا ۷ خطی در کنکور داریم که ۴ سؤال از محتوا و مفهوم آن پرسیده می‌شود و ۵ سؤال از قواعد متن (در قالب تجزیه و ترکیب و اعراب‌گذاری) که در بخش قواعد به آن پرداخته‌ایم. دقت کنید که این متن از لغات کتاب درسی ساخته می‌شود ولی خود متن عیناً در کتاب نیست. بنابراین علاوه بر تسلط بر کلمات کتاب باید متن‌خوانی هم کنید؛ مثلاً ۱۵ متن کنکور را بخوانید و ترجمه خود را با پاسخ‌نامه تطبیق دهید تا متوجه ایرادات و کاستی‌هایتان در فهم متن شوید و ساختارها و لغات رایج و پرتکرار را بشناسید. ضمناً نگران لغات خارج از کتاب یا لغاتی که در نظام قدیم بوده است و شما نخوانده‌اید نباشید چرا که در کنکور نظام جدید از لغات کتاب خودتان به شما متن می‌دهند.

به‌طور کلی می‌توان متن‌های درک مطلب را به دو دسته اصلی تقسیم کرد:

۱ متن‌های علمی، واقعی، درباره حیوانات، تاریخی، حکایت یک قصه و ...

۲ متن‌های مفهومی، استنباطی، نمادین، استنتاجی

■ بهترین راه برای جمع‌بندی بخش متن و درک مطلب این است که از هر دو موضوع فوق تعدادی متن نکته‌دار و متنوع بخوانیم و گزینه‌ها را موشکافی کنیم. هم‌چنین بهتر است قبل از مطالعه متن، نکات عمومی و تکنیک‌های رایج را دوره کنیم:

۱ حتماً متن را با دقت و حوصله بخوانید و از سریع خواندن متن و روخوانی سرسری پرهیز کنید.

۲ اگر متن دسته اول (علمی، واقعی، ...) بود، کاملاً مقید به متن باشید یعنی جملات متن نسبت به استدلال و استنباط و مفهوم‌گیری اولویت دارد اما اگر از دسته دوم (مفهومی) بود به گزینه‌هایی که عیناً در متن آمده با تردید نگاه کنید. (سعی کنید از جملات و بخش‌های مختلف متن مفهوم بگیرید مثلاً اگر می‌گوید پیرزنی را دیدم که آهن را به سنگ می‌کوبید تا سوزن بسازد نروید در گزینه‌ها عیناً این محتوا را انتخاب کنید بلکه دقت کنید که مفهوم این عبارت مواردی مثل اراده، صبر و پشتکار است.)

۳ برای پاسخ به سؤالات مفهوم به ۲۰٪ اول و آخر متن دقت کنید. برای پاسخ به سؤالات نتیجه‌گیری و نام‌گذاری به قسمت‌های پایانی متن توجه کنید مستثنی مفرغ و برای حل سؤالات مقید به متن (از خود متن می‌پرسد) هم طبق بخش‌های خواسته شده در متن حرکت کنید.

۴ گزینه‌هایی که کلمات یا قیده‌های مطلق دارند معمولاً غلط هستند: **مثال** «أبدأ، فقط، إنما، لای نفی جنس، لن، دائماً و...»

۵ معمولاً ۲ سؤال را می‌توان راحت حل کرد یک سؤال دقت و موشکافی می‌خواهد و یک سؤال هم دقت و موشکافی و تجربه متن‌خوانی و شناخت دیدگاه طراح را می‌طلبد. (هم دقت هم تجربه)

■ دقت کنید در انتخاب متن‌های زیر ملاک ما، سال و رشته نبوده بلکه با دقت در متون، تمام درک مطلب‌های نکته‌دار و متنوع را آورده‌ایم پس با وسواس بخوانید و گزینه به گزینه را با علت، رد و قبول کنید:

### متن‌های دسته اول

◀ يفقد العالم كل يوم واحداً أو أكثر من أنواع النبات أو الحيوان، وهذا يعني تقليل العلاقة بين الإنسان وبين الطبيعة؛ ومما لا شك فيه أن هذا الهجوم والمواجهة يؤثر على كيفية حياة الإنسان ويواجهه مع كثير من المصائب!

ومن أسباب هذا الأمر هو تخريب الطبيعة بيد الإنسان، كما يرجع إلى إقدامه على صيد بعضى أنواع الحيوان للاستفادة منه فى البيع والشراء، أو نراه يقوم بأسر البعض ليعرضه فى حدائق الحيوان أو يجعله فى أقفاص المنازل! ففى السنوات الأخيرة وبعد أن أحست بعض الحكومات - عن طريق المؤسسات والجمعيات الشعبية ومطالبات الجمهور - أن هناك خطراً يهدد المجتمع الإنسانى، قامت باجراء بعض القوانين لمنع شيوع هذه الإجراءات الهدامة التى كانت نتائجها سيئة!

١٩٤. عيّن الصحيح:

- (١) السبب الأساسى فى انقراض بعض الحيوانات هو أن الإنسان قام بتخريب الطبيعة!
- (٢) بعض البلدان استطاعت أن تمنع خطر شيوع إنقراض بعض الحيوانات وتخريب الطبيعة!
- (٣) طلبات الناس والجمهور هى السبب الوحيد لإجراء بعض القوانين فى مجال الحفاظ على الطبيعة!
- (٤) جميع الحكومات قامت بإجراء بعض القوانين لمنع تخريب الطبيعة وقطع الأشجار وصيد الحيوانات!

١٩٥. عن أى خطر أساسى يتكلم النص؟

- (١) صيد الحيوانات و أكل لحومها!
- (٢) الغفلة عن أثر الطبيعة على حياة الإنسان!
- (٣) الأشجار والنباتات التى تعرض للبيع!
- (٤) القوانين الأساسية لتشديد انقراض الحيوانات والطبيعة!

١٩٦. المواضع التى جاءت فى النص على الترتيب هى:

- (١) فقدان الإجراءات اللازمة، شيوع الصيد والشراء والبيع، عرضة الحيوانات فى حدائق الحيوان!
- (٢) تقليل الارتباط بين الإنسان والطبيعة، الإحساس بالخطر، بعض الإجراءات الهدامة والخطرة!
- (٣) الارتباط بين الإنسان والطبيعة، أسباب إيجاد المشكلات، مواجهة الحكومات!
- (٤) الإنسان ومصائب الطبيعة، الجمعيات الشعبية، تخريب الطبيعة بيد الإنسان!

١٩٧. ما هو الموضوع الذى لم يأت فى النص:

- (١) نتيجة ما قامت به بعض الحكومات مقابل تصرفات الإنسان!
- (٢) الإتيان ببعض المصاديق لعاقبة أفعال الإنسان!
- (٣) أسباب صيد الحيوانات!
- (٤) بيان الطرق لمنع ما فات!

◀ أتعلم أن للتمساح صديقاً مخلصاً من الطيور، حيث نرى بينهما تعاملًا عجيباً! فكثيراً ما نشاهد التمساح قد فتح فكيه الواسعين وأقبل الطائر ودخل فى فمه بكل طمأنينة ليجمع بمنقاره كل ما علق بين أسنان ذلك الحيوان من الطعام! لذا فقد أنس كل منهما الآخر واستحكمت بينهما أسباب الصداقة حتى أنك ترى الطائر يدخل فى التمساح وكأنه يدخل بيته!

هناك خدمة أخرى يقدمها هذا الطائر للتمساح، فهو يتبع التماسيح فى رحلاتها لطلب القوت، فإذا شاهد صيداً أو خطراً، أسرع إلى إنذار التمساح بإيجاد صوت يدرك الحيوان معناه، فيسرع إلى الابتعاد أو إلى اتخاذ الحيلة المناسبة لاصطياد (= صيد) طعمته!

(خارج ٩٦)



## فعل امر مخاطب

از شش صیغه مخاطب فعل مضارع و با فرمول زیر ساخته می‌شود:

- حرف اول (حرف مضارع) را حذف می‌کنیم.
- انتهای فعل را مجزوم می‌نماییم؛ به این صورت که اگر «**أ**» بود تبدیل به «**إِ**» و اگر «**ن**» اعراب بود، حذف می‌شود. (به جز صیغه‌های ۶ و ۱۲ که نونشان حذف نمی‌شود).
- به ابتدای فعل، همزه اضافه می‌کنیم و اگر عین‌الفعل ضمه (ُ) داشت، همزه با ضمه می‌آید و اگر عین‌الفعل (ـِ یا ـِ) داشت، همزه با کسره (ـِ) می‌آید. به مثال‌های زیر دقت کنید:

تَذْهَبُ ← إِذْهَبْ      تَذْكُرُ ← أَذْكُرْ  
تَجْلِسُونَ ← اجلسوا      تَكْتُبْنَ ← أَكْتُبْنَ

## فعل نهی<sup>۱</sup>

برای ساختن فعل نهی به ابتدای فعل مضارع «لا» اضافه می‌کنیم و انتهای آن را مجزوم می‌نماییم.

**مثال** تَكْتُبُ ← لَا تَكْتُبْ / يَنْتَقِلَانِ ← لَا يَنْتَقِلَا / تَذْهَبْنَ ← لَا تَذْهَبْنَ / تهدي ← لَا تَهْدِ

## لازم و متعدی<sup>۲</sup>

**فعل لازم:** فعلی است که به مفعول نیاز ندارد و معنایش با فاعل کامل می‌شود.

**مثال** ذهب علی ← علی رفت. / كَثُرَ الدرس ← درس زیاد شد.

**فعل متعدی:** فعلی است که علاوه بر فاعل به مفعول به هم نیاز دارد.

**مثال** أكل علی الطعام. ← علی غذا را خورد / شاهدتُ مريم المعلم. ← مریم معلم را دید.

## صفت و مضاف‌الیه<sup>۳</sup>

هرگاه دو اسم در کنار هم بیایند یا ترکیب وصفی یا اضافی هستند اگر اسم دوم توصیف‌کننده اسم اول باشد،

اولی موصوف و دومی صفت است: **مثال** كتابٌ جميلٌ ← کتابی زیبا

موصوف صفت

ولی اگر اسم دوم ارتباط وصفی با اسم اول نداشت، در این صورت اسم دوم مضاف‌الیه است:

**مثال** كتابُ التلميذ ← کتاب دانش‌آموز

مضاف مایه

البته در قسمت ترجمه خواندیم که ممکن است این دو ترکیب باهم بیایند. به این صورت که یک اسم ممکن است هم صفت داشته باشد و هم مضاف‌الیه که در این حالت، اول مضاف‌الیه می‌آید و بعد صفت ولی

در ترجمه، ابتدا صفت ترجمه می‌شود سپس مضاف‌الیه: **مثال** شجرة البيت الكبيرة ← درخت بزرگ خانه

اسم مایه صفت      اسم صفت مایه

۱. فعل نهی در تقسیم‌بندی فعل، در دسته فعل مضارع قرار می‌گیرد.

۲. در بخش باب‌های مزید و جمله فعلیه به‌طور کاربردی و دقیق با این موضوع آشنا می‌شویم فعلاً همین بس!

۳. نام دیگر صفت ← نعت، تابع



## ب اعداد ترتیبی

اگر بخواهیم ترتیب عددی یک موضوع را نشان دهیم، از اعداد ترتیبی استفاده می‌کنیم. مثلاً «درس چهارم» یا «مدرسه هفتم». اعداد ترتیبی بر وزن فاعل ساخته می‌شوند و عبارت‌اند از:

یکم	الأول	ششم	السادس	یازدهم	الحادی عشر	شانزدهم	السادس عشر
دوم	الثانی	هفتم	السابع	دوازدهم	الثانی عشر	هفدهم	السابع عشر
سوم	الثالث	هشتم	الثامن	سیزدهم	الثالث عشر	هجدهم	الثامن عشر
چهارم	الرابع	نهم	التاسع	چهاردهم	الرابع عشر	نوزدهم	التاسع عشر
پنجم	الخامس	دهم	العاشر	پانزدهم	الخامس عشر	بیستم	العشرون

**نکته ۱** اعداد ترتیبی بعد از اسم می‌آیند و از نظر جنس مطابق معدود بوده و صفت هستند. (غالباً «ال» دارند).

**مثال** درس الرابع / المدرسة الثانية / الكتاب السادس عشر

۲ هرگاه عدد بعد از اسم بیاید و با آن مطابقت کند صفت است (یعنی عدد یک و دو و اعداد ترتیبی) پس عدد بی‌اسم، عدد قبل اسم و عدد بعد اسم غیرمطابق، صفت نیست.

۳ برای بیان ساعت از عدد بر وزن فاعل مؤنث ال دار و برای بیان دقیقه از عدد اصلی استفاده می‌کنیم.

**مثال** الخامسة و عشرين دقيقة. (پنج و بیست دقیقه)

۴ برخلاف سایر اعداد ترتیبی، عدد یکم (الأول، الأولى) بر وزن فاعل نمی‌آید بلکه بر وزن «أفعل» (مذکر) و «فعلی» (مؤنث) می‌آید. ضمناً «واحد» بر وزن فاعل است ولی عدد اصلی است.

۵ اعداد عقود مثل «عشرون، ثلاثون؛ أربعون و...» بین اعداد ترتیبی و شمارشی مشترک هستند که راه تشخیص، به این صورت است، اگر قبل از اسم بیایند اصلی هستند و اگر بعد از اسم باشند ترتیبی.

(البته اگر «ال» بگیرد قطعاً ترتیبی است.) **مثال** عشرين درسا / الدرس العشرين

## پرسش‌های چهارگزینه‌ای

### ۱. شناخت عدد و انواع آن

۲۹۸. عَيِّنْ أَعْدَاداً كُلَّهَا مِنْ الْأَعْدَادِ الْأَصْلِيَّةِ:

(۱) تِسْعَةٌ عَشْرَ - الثَّانِي - سَبْعَةٌ

(۲) الأَوَّل - ثمانية - تِسْعُونَ

(۳) واحدة و ثلاثون - أربعة - عَشْرَةٌ

(۴) الثَّامِنَ عَشْرَ - مِائَةٌ - خَمْسَةٌ

۲۹۹. عَيِّنِ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاعِينِ: «فِي مَكْتَبَةِ عَمِّي (۵۳) - كِتَاباً مَخْطُوطاً وَهُنَاكَ قَرَأْتُ (۲۴) - رِسَالَةً عِلْمِيَّةً»:

(۱) ثلاثة و خمسون - الرابع و عشرون

(۲) الثالثة و خمسون - أربعة و عشرون

(۳) ثلاثة و خمسون - أربع و عشرين

(۴) ثالث و خمسون - أربع و عشرين

۱. برای بیان ساعت از عدد ترتیبی استفاده می‌کنیم به جز ساعت یک که «الواحدة» می‌آوریم نه «الأول».

٣١٤. كم عُرفَةً فى هذا البيت؟! «لِبَيْتِنَا سَبْعُ طَبَقَاتٍ وَفِي كُلِّ طَبَقَةٍ تِسْعُ غُرَفَاتٍ»:

- (١) سِتُّونَ وَثَلَاثَةٌ (٢) ثَلَاثَةٌ وَسِتُّونَ (٣) تِسْعَةٌ وَأَرْبَعُونَ (٤) أَرْبَعُونَ وَتِسْعَةٌ

٣١٥. عَيِّنِ الخَطَأَ فى العَمَلِيَّاتِ الحِسَابِيَّةِ:

- (١) أَحَدٌ عَشَرَ فى سَبْعَةٍ يَسَاوَى سَبْعَةٍ وَسَبْعِينَ!  
 (٢) اثْنَانِ وَثَلَاثُونَ زَائِدٌ ثَلَاثَةٌ وَسِتِّينَ يَسَاوَى تِسْعَةً وَسِتِّينَ!  
 (٣) مِائَةٌ وَعَشْرَةٌ تَقْسِيمٌ عَلَى اثْنَيْنِ يَسَاوَى خَمْسَةً وَخَمْسِينَ!  
 (٤) ثَمَانُونَ نَاقِصٌ اثْنَيْنِ وَخَمْسِينَ يَسَاوَى ثَمَانِيَةَ وَعَشْرِينَ!

٣١٦. عَيِّنِ الصَّحِيحَ فى العَمَلِيَّاتِ الحِسَابِيَّةِ:

- (١) اثْنَانِ وَسَبْعُونَ تَقْسِيمٌ عَلَى ثَمَانِيَةَ زَائِدٌ اثْنَيْنِ وَعَشْرِينَ يَسَاوَى وَاحِدَةً وَثَلَاثِينَ!  
 (٢) اثْنَا عَشَرَ فى خَمْسَةٍ زَائِدٌ سِتَّةٌ وَثَلَاثِينَ يَسَاوَى تِسْعَةً وَسِتِّينَ!  
 (٣) مِئَتَانِ نَاقِصٌ تِسْعَةً وَثَمَانِينَ تَقْسِيمٌ عَلَى عَشْرَةٍ يَسَاوَى وَاحِدًا!  
 (٤) خَمْسَةٌ وَأَرْبَعُونَ زَائِدٌ اثْنَيْنِ وَثَلَاثِينَ تَقْسِيمٌ عَلَى سَبْعَةٍ يَسَاوَى وَاحِدًا وَعَشْرِينَ!

٣١٧. «قُمْنَا بِتَقْسِيمِ صَنْدُوقٍ مِنَ الْبَرْتَقَالِ بَيْنَ عَشْرَةِ أَشْخَاصٍ. إِذَا أُعْطِينَا لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ ثَلَاثَ بَرْتَقَالَاتٍ وَبَقِيَ فى الصَنْدُوقِ خَمْسَ بَرْتَقَالَاتٍ، فَكَمْ بَرْتَقَالَةً كَانَتْ فى الصَنْدُوقِ؟»:

- (١) خَمْسٌ وَثَلَاثُونَ (٢) ثَلَاثٌ وَخَمْسُونَ (٣) تِسْعٌ وَأَرْبَعُونَ (٤) وَاحِدٌ وَخَمْسُونَ

٣١٨. عَيِّنِ الصَّحِيحَ: «فى مَسَابِقَةِ الجَرَى (دو) وَصَلَ أَحْمَدُ المَرْكَزَ الثَّانِيَّ بِفَارِقٍ «اِخْتِلَافٍ» أَرْبَعَ ثَوَانٍ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الأوَّلِ. إِذَا كَانَ صَاحِبُ المَرْكَزِ الأوَّلِ قَطَعَ (بِمُودِهِ بِأَشَدِّ) المَسَابِقَةَ بِمُدَّةِ ثَمَانِيَةَ عَشْرَةَ ثَانِيَةً ففى كَمْ ثَانِيَةً تَسْتَعْرِقُ (طُولَ مِي كَشْد) حَتَّى يَصِلَ أَحْمَدُ إِلَى نِهَآيَةِ المَسَابِقَةِ؟»

- (١) عَشْرُونَ (٢) وَاحِدٌ وَعَشْرُونَ (٣) اثْنَانِ وَعَشْرُونَ (٤) ثَلَاثٌ وَعَشْرُونَ

٣١٩. عَيِّنِ الخَطَأَ فى السَّاعَةِ:

- (١) السَّاعَةُ العَاشِرَةُ وَالدَّقِيقَةُ الخَامِسَةُ وَالعِشْرُونَ!  
 (٢) خَمْسٌ وَعَشْرُونَ دَقِيقَةً بَعْدَ العَاشِرَةِ!  
 (٣) السَّاعَةُ العَاشِرَةُ وَخَمْسٌ وَعَشْرُونَ دَقِيقَةً!  
 (٤) السَّاعَةُ العَاشِرَةُ إِلا خَمْسًا وَعَشْرِينَ دَقِيقَةً!

٣٢٠. عَيِّنِ الصَّحِيحَ فى السَّاعَةِ:



(٤)



(٣)



(٢)



(١)

الثَّالِثَةُ وَخَمْسُ دَقَائِقٍ!

الخَامِسَةُ إِلا رُبْعًا!

الوَاحِدَةُ وَعَشْرُونَ سَاعَةً

الثَّامِنَةُ إِلا خَمْسُ دَقَائِقٍ!



# استثناء

عبارت است از جدا کردن یک اسم از یک حکم کلی مثلاً «دانش‌آموزان آمدند به جز احسان»  
مستثنی‌منه (انجام دادند)      ادات (نشانه استثناء)      مستثنی (انجام نداده)

**مثال** ذهب الطلابُ إلا علياً.  
مستثنی‌منه (فاعل)      ادات      مستثنی

در عربی دو نوع مستثنی داریم:

۱ **تامّ (کامل):** یعنی مرجع مستثنی (مستثنی‌منه) قبل از «إلا» وجود دارد، در واقع جمله قبل از «إلا» کامل

است و به نقشی نیاز ندارد. **مثال** جاءت النساءُ إلا مريم.  
مستثنی‌منه (فاعل)      مستثنی

۲ **محصور یا منحصر یا مفرّغ:** یعنی مرجع مستثنی (مستثنی‌منه) قبل از «إلا» وجود ندارد، در واقع جمله قبل از «إلا» ناقص است و نیازمند یک نقش است.

**مثال** ما جاء إلا علي ← مرجع «علي» معلوم نیست، قبل از «إلا» به فاعل نیاز داریم.  
 لم نشاهد إلا المدير: مرجع «المدير» معلوم نیست، قبل از «إلا» مفعول می‌خواهیم.

**تذکر** • احتمالاً با بررسی مثال‌های بالا متوجه شدید که مستثنی‌منه بودن نقش (محل اعرابی) نیست، ولی مستثنی نقش است. یادتون نره اصولاً موارد زیر نقش نیستند و با توجه به جایگاهشان نقش می‌گیرند.  
 ■ موصوف ■ مضاف ■ صاحب حال ■ مستثنی‌منه

**نکته** • در کتاب درسی اشاره شده که چون در مستثنی محصور (مُفَرَّغ) مرجع مستثنی ذکر نشده و چیزی از چیزی جدا نمی‌شود، پس این نوع مستثنی برای اختصاص و انحصار است. (ساختن معنای فقط) نه استثناء.  
 • «ألا» (أن + لا) را با «إلا» اشتباه نگیریم، بعد از «ألا» همیشه فعل می‌آید.

**مثال** أحبّ ألا تذهب ← دوست دارم که نروی.

• مستثنی مفرّغ در جملات منفی را می‌توان به صورت مثبت و با قید «فقط، تنها» ترجمه کرد؛ اما به طرز قرارگیری این دو قید توجه کنید که مفهوم جمله غلط نشود.

**مثال** ما جاء إلا علي ← علي فقط آمد ✓ علي فقط آمد ✗

• کلمات کلیدی مستثنی‌مفرّغ در صورت سؤالات ← منحصر، انحصار، حصر، اختصاص، مختصّ، يحتاج، حاجة، محتاج، إنّما، فقط، محذوف، ناقص.

## پاسخ‌نامه تشریحی

## ترجمه

۱. گزینه «۱» حتی تُربینا: تا ما را تربیت کنی (رد گزینه ۲) فی الدنيا: در دنیا (رد گزینه ۳) یسر: آسان کن (فعل امر) (رد گزینه ۴)
۲. گزینه «۳» أن نعلم: که بدانیم (رد گزینه‌های ۱ و ۴) لا أثر: هیچ اثری، هیچ تأثیری (رد گزینه ۲)
۳. گزینه «۴» قد عاهدت: عهد کرده‌ام (رد گزینه ۲) أن أعمل بما أعد: به آنچه وعده می‌دهم عمل کنم (رد گزینه‌های ۱ و ۳)
۴. گزینه «۳» إن تُرد: اگر بخواهی (رد گزینه‌های ۱ و ۲) قلوب الشباب: دل‌های جوانان (رد گزینه ۴) در گزینه (۴) «پیشه خود» نیز نادرست است.
۵. گزینه «۱» لن یبقی: باقی نخواهد ماند (رد گزینه‌های ۲ و ۴) در گزینه (۳) «حتماً» اضافی ترجمه شده است.
۶. گزینه «۳» بدی را از او دور می‌کند (رد ۱) در گزینه (۲) «دل» اضافه است. «یحب» فعل است (دوست‌دار خدا) اسم است (رد ۴)
۷. گزینه «۲» «خدا» در سه گزینه دیگر اضافه است. «زود»: مجهز کرده، «حاسة معنویة»: حسی معنوی / لیمیز..... تمیزاً حسناً: تا تشخیص صحیحی بدهد.
۸. گزینه «۲» «نزل» مضارع است. (رد گزینه‌های ۱ و ۳) در گزینه «۴» فقط «افزافه» و «شفابخش» نادرست است
۹. گزینه «۲» «این» در گزینه «۳» ترجمه نشده است. «سنة» نکره است ولی در گزینه (۴) به صورت معرفه ترجمه شده.
- «لما یدخل»: هنگامی که وارد می‌شود. (رد گزینه‌های ۱ و ۳)
۱۰. گزینه «۴» «إن»: اگر، چنانچه (رد گزینه ۱)، «لا تُطع»: اطاعت مکن (رد گزینه ۲) «علم» ضمیر ندارد. (رد گزینه ۳)
۱۱. گزینه «۱» «إن»: اگر - چنانچه (رد گزینه‌های ۲ و ۴) گزینه (۳) به اشتباه جای دو گزینه را عوض کرده است.
۱۲. گزینه «۱» «لا تکن فظاً»: درشت‌خوی نباش / «غلیظ القلب»: سنگدل / در گزینه‌های (۳) و (۴) «نباید» اضافه است.

۱۳. گزینه «۳» «شجرة وجودک»: درخت وجودت / «مخضرة»: سبز / «خضراء دائماً»: همیشه سبز است
  ۱۴. گزینه «۲» «قُتِلَ» فعل مجهول است (کشته شود - به قتل برسد) ولی در گزینه (۱) به صورت معلوم و در گزینه (۳) به صورت اسم ترجمه شده. در گزینه (۴) هم «جعلنا» که جواب شرط است به صورت ماضی ترجمه شده نه مضارع اخباری.
  ۱۵. گزینه «۲» «تحصل: حاصل می‌گردد - به دست می‌آید»، «الناس: مردم»، «هم الذين: همان کسانی هستند که...»، «یقتنصون: شکار می‌کنند» ضمناً «الناس» معادل «مردم» است.
  ۱۶. گزینه «۳» «الزمل» معادل «شن» است نه «شنی». (رد گزینه‌های ۲ و ۴) در گزینه (۱) هم «یخلب» که ماضی استمراری است به صورت ماضی بعید آمده.
  ۱۷. گزینه «۱» «الذی»: کسی که (اسم موصول) / «صبر»: فعل ماضی است. (رد گزینه‌های ۲ و ۳) در گزینه (۴) جای دو عبارت عوض شده و ضمناً «فقد» ترجمه نشده است.
  ۱۸. گزینه «۴» «هناک»: وجود دارد / «طرق دقیقة»: (روش‌های دقیق) جمع و نکره است. (رد سایر گزینه‌ها)
  ۱۹. گزینه «۲» «بجاجة»: نیازمند هستیم (با توجه به «أنا وزمیلاتی» (رد گزینه ۱) «الدروس» بدون ضمیر است. (رد گزینه ۴)
  - «مُدْرَسَة» نکره است. (رد گزینه ۳) «تُعَلِّمنا» به ما بیاموزد (رد گزینه‌های ۱ و ۳)
  ۲۰. گزینه «۳» «آلهة» جمع است نه مفرد. (رد گزینه‌های ۱ و ۴) «راغب عن»: رویگردان هستی (رد سایر گزینه‌ها)
- تذکر** رغب فی (إلی): تمایل داشت، روی آورد  
رغب عن: روی گرداند.
۲۱. گزینه «۲» در گزینه «۱» «الأيام» ترجمه نشده ضمناً «ما کنت أعمل» ماضی استمراری است نه بعید. در گزینه «۳» «ما کنت أعمل»: ماضی استمراری است ولی به صورت ماضی بعید آمده. در گزینه «۴» «نگرانی‌ها» جمع آمده ولی «قلق» مفرد است.



گزینه ۲۲ «حَتَّى يَحْكَمَ»: تادآوری کند (رد گزینه‌های ۳ و ۴) در گزینه ۲ هم «داور» مفرد آمده ولی «الحاکمین» جمع است.

۲۳. گزینه ۳ «تَوَثَّرَ» فعل است (اثر می‌گذارد) (رد سایر گزینه‌ها)، «تُبَعِدُ» مضارع است نه آینده (رد گزینه ۱).

۲۴. گزینه ۳ «كَانَ يَصِلُ» ماضی استمراری است. (رد گزینه‌های ۱ و ۲) «كُنَّا مَسْرُورِينَ»: شاد بودیم (رد سایر گزینه‌ها)

۲۵. گزینه ۱ «الماطرَة»: بارانی (رد سایر گزینه‌ها)، «أَشْكُرُ» مضارع است. (رد گزینه ۲) «ألوانها الجميلة»: رنگ‌های زیبایش، رنگ‌های زیبای قوس قزح (رد گزینه‌های ۳ و ۴)

۲۶. گزینه ۴ «كُنْتَ أَحْسَنَ» ماضی استمراری است. (رد گزینه‌های ۱ و ۳)، «سوف تمرّ»: خواهد گذشت، سپری خواهد شد (رد گزینه‌های ۱ و ۲)

۲۷. گزینه ۴ «الحياة»: زندگی (رد گزینه‌های ۲ و ۳) «يقوى» قوی (توانمند) می‌کند. (رد سایر گزینه‌ها) ضمناً در گزینه ۱ «الأمر» ترجمه نشده است.

۲۸. گزینه ۱ «أثمار فصل الصيف المفيدة»: میوه‌های مفید فصل تابستان، «كانت قد صنعت»: ساخته بودند (رد سایر گزینه‌ها)، «منظر أرائعاً نكرة ومفرد است. (رد سایر گزینه‌ها)

۲۹. گزینه ۴ «أَيام» جمع است (رد گزینه ۱)، «أجمل» اسم تفضیل است و با «ترین» ترجمه می‌شود (رد گزینه ۲)، «يحبون» خبر است نه جمله حالیه ولی در گزینه ۳ به صورت حال ترجمه شده است.

۳۰. گزینه ۱ «الكمال»: کمال، «لا يتحققان» مضارع است و به معنای «محقق نمی‌شوند»، «مجاهدة مستمرة»: مبارزه دائمی، «عمل» مفرد و نکره است. (رد سایر گزینه‌ها)

۳۱. گزینه ۱ «كان» بیانگر زمان گذشته و به معنای «بود» است (رد گزینه‌های ۲ و ۴). «يتمتع» جمله وصفیه است که قبل از آن از حرف «که» استفاده می‌کنیم (رد گزینه‌های ۳ و ۴). ضمناً «يتمتع» و «يطلبون» با توجه به «كان» به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌شوند (رد سایر گزینه‌ها).

۳۲. گزینه ۲ «إن»: اگر، چنانچه (رد گزینه ۴)، ضمیر «ک» در «أعمالک» در گزینه‌های (۳ و ۴) ترجمه نشده است. «هُونَتْ»: جواب شرط است (آسان می‌کنی) (رد گزینه ۱).

۳۳. گزینه ۱ «القيام» اسم است ولی در گزینه ۲ به صورت «اقدام می‌کنم» که فعل است، آمده، در ضمن «داشته باشم» معادلی در عبارت عربی ندارد. «اگر» در

گزینه ۳ (۳) اضافی است و ضمیر «ی» در «والدای» هم نیامده. در گزینه ۴ هم «خوب» اضافی است و «انجام دهم» هم به صورت فعل آمده، ولی «القيام» اسم است.

۳۴. گزینه ۲ «الشاعر» مفرد است (رد گزینه ۱)، «قد أُنشِدُ» ماضی نقلی است (رد گزینه ۳)، در گزینه ۴ هم «بزرگ» برای «همایش» صفت است، هم‌چنین «خوانده شود» مجهول است ولی «يقرأ» معلوم می‌باشد.

۳۵. گزینه ۲ «كَلَّ مِنْ» با توجه به فعل بعد از آن «يُؤدّي» باید به صورت مفرد ترجمه شود (هر کس) (رد گزینه‌های ۱ و ۴)، «لنا» معادل «برای ما» و «علينا أن نُحترم» معادل «باید احترام بگذاریم» یا «باید احترام کنیم» است (رد گزینه‌های ۱ و ۳)

۳۶. گزینه ۳ «رَبِّهِمْ» دارای ضمیر است (رد گزینه ۴)، «يشتغلون»: مشغول می‌باشند (هستند) (رد گزینه‌های ۱ و ۲)، حرف «و» در گزینه ۱ ترجمه نشده است (در «و الناس منهم...».)

۳۷. گزینه ۲ «ما» در گزینه ۱ (۱ و ۳) اضافه است. هم‌چنین در گزینه ۴ «میعادگاهی» نکره است.

«يوم الفصل»: روز جدایی (رد سایر گزینه‌ها)

۳۸. گزینه ۴ «الزَمَ» پای بند باش / «تَعَلَّمَ»: یادگیری / «ظهوره»: ظهورش / «قد شَجَّعَ»: تشویق کرده است. (رد سایر گزینه‌ها)

۳۹. گزینه ۴ «من الأشخاص»: از افراد، از اشخاص (رد گزینه‌های ۱ و ۲)

«حياتهم»: زندگی‌شان، زندگی خود (رد گزینه ۱)

«المعالی»: بزرگی‌ها (رد گزینه‌های ۲ و ۳)

۴۰. گزینه ۳ «در سایر گزینه‌ها کلمه «أن» و «یک» اضافی هستند. «يُلقي»: می‌اندازد (رد گزینه‌های ۱ و ۴) «قد» (قبل از فعل مضارع): گاهی، اندک، به ندرت (رد گزینه‌های ۱ و ۲)

۴۱. گزینه ۱ ترجمه درست گزینه ۱: خداوند این دست را دوست دارد.

۴۲. گزینه ۲ «ما بقوم» آنچه را در قومی هست / «لا يُغَيِّرُ»: تغییر نمی‌دهد، دگرگون نمی‌کند (رد گزینه‌های ۳ و ۴) «حَتَّى يُغَيِّرُوا»: تا تغییر دهند، دگرگون سازند (رد گزینه ۱)

۲۲. گزینه ۱ «حَتَّى يَحْكَمَ»: تادآوری کند (رد گزینه‌های ۳ و ۴) در گزینه ۲ هم «داور» مفرد آمده ولی «الحاکمین» جمع است.

۲۳. گزینه ۳ «تَوَثَّرَ» فعل است (اثر می‌گذارد) (رد سایر گزینه‌ها)، «تُبَعِدُ» مضارع است نه آینده (رد گزینه ۱).

۲۴. گزینه ۳ «كَانَ يَصِلُ» ماضی استمراری است. (رد گزینه‌های ۱ و ۲) «كُنَّا مَسْرُورِينَ»: شاد بودیم (رد سایر گزینه‌ها)

۲۵. گزینه ۱ «الماطرَة»: بارانی (رد سایر گزینه‌ها)، «أَشْكُرُ» مضارع است. (رد گزینه ۲) «ألوانها الجميلة»: رنگ‌های زیبایش، رنگ‌های زیبای قوس قزح (رد گزینه‌های ۳ و ۴)

۲۶. گزینه ۴ «كُنْتَ أَحْسَنَ» ماضی استمراری است. (رد گزینه‌های ۱ و ۳)، «سوف تمرّ»: خواهد گذشت، سپری خواهد شد (رد گزینه‌های ۱ و ۲)

۲۷. گزینه ۴ «الحياة»: زندگی (رد گزینه‌های ۲ و ۳) «يقوى» قوی (توانمند) می‌کند. (رد سایر گزینه‌ها) ضمناً در گزینه ۱ «الأمر» ترجمه نشده است.

۲۸. گزینه ۱ «أثمار فصل الصيف المفيدة»: میوه‌های مفید فصل تابستان، «كانت قد صنعت»: ساخته بودند (رد سایر گزینه‌ها)، «منظر أرائعاً نكرة ومفرد است. (رد سایر گزینه‌ها)

۲۹. گزینه ۴ «أَيام» جمع است (رد گزینه ۱)، «أجمل» اسم تفضیل است و با «ترین» ترجمه می‌شود (رد گزینه ۲)، «يحبون» خبر است نه جمله حالیه ولی در گزینه ۳ به صورت حال ترجمه شده است.

۳۰. گزینه ۱ «الكمال»: کمال، «لا يتحققان» مضارع است و به معنای «محقق نمی‌شوند»، «مجاهدة مستمرة»: مبارزه دائمی، «عمل» مفرد و نکره است. (رد سایر گزینه‌ها)

۳۱. گزینه ۱ «كان» بیانگر زمان گذشته و به معنای «بود» است (رد گزینه‌های ۲ و ۴). «يتمتع» جمله وصفیه است که قبل از آن از حرف «که» استفاده می‌کنیم (رد گزینه‌های ۳ و ۴). ضمناً «يتمتع» و «يطلبون» با توجه به «كان» به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌شوند (رد سایر گزینه‌ها).

۳۲. گزینه ۲ «إن»: اگر، چنانچه (رد گزینه ۴)، ضمیر «ک» در «أعمالک» در گزینه‌های (۳ و ۴) ترجمه نشده است. «هُونَتْ»: جواب شرط است (آسان می‌کنی) (رد گزینه ۱).

۳۳. گزینه ۱ «القيام» اسم است ولی در گزینه ۲ به صورت «اقدام می‌کنم» که فعل است، آمده، در ضمن «داشته باشم» معادلی در عبارت عربی ندارد. «اگر» در